آرمان ملی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۷۴۳
پنجشنبه
۲۱ • ۱۰ • ۱۴۰۲
۲۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۵/ ۱۱ ژانویه ۲۰۲۴

نگـره

پیامدهای حضور وزیر خارجه آمریکا در خاورمیانه

از سرگیری مذاکرات حماس و اسرائیل؟!

رئیس دفتر سیاسی حماس در آستانه ۱۰۰ روزه شدن جنگ غزه، در سخنانی به تشریح علل اجرای عملیات «طوفان‌الاقصی»، دستاوردهای آن و رویکرد رژیم صهیونیستی در این جنگ پرداخت. او در این سخنان تأکید کرد: «تلاش دشمن برای به حاشیه راندن مسأله فلسطین در سطح جهان، نقشه‌های اشغالگران علیه فلسطین و مسجدالاقصی و روند عادی‌سازی روابط با صهیونیست‌ها، از برجسته‌ترین علل عملیات طوفان الاقصی بود.» اسماعیل هنیه که در کنفرانس اتحاد جهانی علمای مسلمان در دوحه سخن می‌گفت، درباره کابینه کنونی رژیم صهیونیستی و نقشه‌هایش علیه ملت فلسطین تأکید کرد: «کابینه تندرو و افراطی این رژیم، انعکاس واقعیت افراط‌گرایی دینی و قومی توده صهیونیست‌هاست. این کابینه نقشه‌های خود را آغاز کرد و دیدیم که در مسجدالاقصی و کرانه باختری چه کار کرد، آنها شهرک‌سازی را گسترش داده و هزاران فلسطینی را بازداشت کردند. برای ما واضح بود که این کابینه با ریشه‌های خود در داخل توده صهیونیست‌ها اقدام به تخریب مسجدالاقصی یا دست‌کم سیطره بر آن خواهد کرد. دیگر برنامه کابینه رژیم صهیونیستی نیز عادی‌سازی روابط برای ادغام اسرائیل در منطقه به زیان مسأله فلسطین و حقوق و اصول ثابت امت اسلامی بود.» وی به چهار مرحله رژیم صهیونیستی در تجاوزگری علیه نوار غزه اشاره و اضافه کرد: «مرحله اول حمله هوایی فراگیر، مرحله دوم ورود زمینی به نوار غزه، مرحله سوم عملیات جراحی متمرکز علیه مقاومت و مرحله چهارم، مرحله سیاسی و وجود یک غزه بدون حماس و مقاومت است، اما می‌گویم که با وجود هزینه گزاف و کشتارها و جنایت‌های رژیم صهیونیستی، دشمن در تحقق هیچ‌یک از اهداف خود بعد از ۱۰۰ روز از جنگ موفق نشد. از بین بردن حماس، توهم و سراب است؛ حماس یعنی خود مردم.»

دیدار هرتزوگ و بلینکن همزمان با تظاهرات در تل‌آویو

منابع رسانه‌ای از دیدار و گفت‌وگوی وزیر خارجه آمریکا با رئیس رژیم صهیونیستی همزمان با تظاهرات در مقابل مقر دیدارشان در تل‌آویو خبر دادند. ایسنا به نقل از شبکه الجزیره گزارش داد که آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا با اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی در تل‌آویو دیدار کرد. بنابراین گزارش، هرتزوگ در جریان این دیدار به شدت از آفریقای جنوبی به دلیل شکایت به دیوان کیفری بین‌المللی علیه رژیم صهیونیستی انتقاد کرد. هرتزوگ با توجه به فشارهای واشنگتن برای کاهش آسیب به غیرنظامیان در نوار غزه و با توجه به شکایت علیه رژیم صهیونیستی در دادگاه لاهه ادعا کرد: «ما به رغم شرایط پیچیده موجود تمام تلاش خود را برای کاهش آسیب به غیر نظامیان به کار می‌گیریم. وزیر خارجه آمریکا پس از دیدار با رئیس رژیم صهیونیستی، در دیدار با نخست وزیر این رژیم بر اهمیت اجتناب از آسیب رساندن به غیرنظامیان در غزه تاکید کرد. وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که آنتونی بلینکن در نشستش با نتانیاهو و شورای جنگ بر اجتناب از وارد شدن آسیب‌های بیشتر به غیرنظامیان در غزه تأکید و درخصوص تلاش‌های جاری برای تضمین آزادی همه اسیران و اهمیت افزایش سطح کمک‌های انسانی ارسالی برای غیر نظامیان در غزه گفت‌وگو کرد. بلینکن خواهان تضمین صلح دائمی در راستای تشکیل یک کشور فلسطینی شد و مسئولان ارشد رژیم صهیونیستی را به اجتناب از جنگ فراگیر با حزب‌ا... ترغیب کرد. وی همچنین از آنها خواست در خصوص برنامه‌ریزی برای بعد از پایان درگیری‌ها در غزه به طور جدی فکر کنند. وزیر خارجه آمریکا، طرحی را برای آینده غزه براساس نشست‌های خود با رهبران عربستان، امارات، قطر، اردن و ترکیه نیز ارائه داد.

ورود هیأت صهیونیستی به قاهره برای ازسرگیری مذاکرات

منابع مصری اعلام کردند قاهره رسما میانجیگری میان رژیم صهیونیستی و حماس برای معامله تبادل اسیران را ازسرگرفت. قطر نیز ورود هیأت دیپلماتیک رژیم صهیونیستی به قاهره برای ازسرگیری مذاکرات معامله تبادل اسرا میان مقاومت فلسطین و رژیم صهیونیستی را تایید کرد. رادیو تلویزیون اسرائیل هم از سرگیری مذاکرات غیرمستقیم بین اسرائیل و جنبش حماس در مورد توافق احتمالی مبادله اسیران پس از توقف چند روزه در پی ترور صالح العاروری را تایید کرد. یک منبع مصری اعلام کرد هیأت امنیتی رژیم صهیونیستی نیز شامگاه دوشنبه با هدف از سرگیری مذاکرات برای معامله تبادل اسیران با گروه‌های مقاومت در غزه وارد قاهره شد. وبگاه العربی الجدید گزارش داد قاهره پیش‌تر به تل‌آویو تعلیق مشارکت خود را در میانجیگری برای معامله تبادل اسرا به دنبال ترور صالح العاروری، معاون رئیس جنبش حماس اعلام کرد. به دنبال تصمیم مصر هیأت امنیتی رژیم صهیونیستی در آن زمان به سفر خود به قاهره پایان داد. ازسرگیری مذاکرات برای تبادل اسرا در سایه فشارهای داخلی و خارجی بر رژیم صهیونیستی برای توقف جنگ و آزادی اسرا است. ارتش رژیم صهیونیستی هفته گذشته در حمله به ضاحیه جنوبی بیروت صالح العاروری را به همراه دو تن از فرماندهان گردان‌های عزالدین القسام، شاخه نظامی جنبش حماس ترور کرد. العاروری یکی از فرماندهان سیاسی و نظامی فلسطینی بود که در تأسیس گردان‌های عزالدین القسام در کرانه باختری نقش جدی داشت. وی حدود ۱۵ سال در زندان‌های رژیم صهیونیستی بود و بعد از خاک فلسطین به لبنان تبعید شد. کمی بعد از ترور العاروری قاهره به مسئولان رژیم صهیونیستی خشم و ناخرسندی خود را از ترور وی ابلاغ کرد. به ویژه اینکه قاهره مشارکت خود را در میانجیگری برای رسیدن به توافق تبادل اسرا با گروه‌های مقاومت افزایش داده بود. یک منبع مصری در آن زمان اعلام کرد: میانجیگران و طرف‌های مرتبط با پرونده فلسطین معتقدند که اجرای عملیات ترور العاروری در این زمان به بازی گرفتن میانجیگران است. پیش از ترور العاروری رسانه‌های رژیم صهیونیستی گزارش دادند: رونن بار، رئیس دستگاه موساد پیام مثبتی را از قطر درباره پاسخ جنبش حماس به مذاکرات معامله تبادل اسرا و توقف درگیری به مدت یک ماه در نوار غزه دریافت کرده است. این رسانه‌ها در آن زمان نوشتند: جنبش حماس برای اولین بار با معامله تبادل اسرا بدون توقف فراگیر جنگ به عنوان شرطی برای آزادی اسرا موافقت کرده است. کابینه جنگ نیز پیشنهاد قطر برای معامله تبادل اسرا در ازای آتش بس یک ماهه را بررسی کرد.

خشایار راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

تلاش برای فروش بیشتر سینمای طنز را به ابتذال کشیده است

برخی برای فروش بیشتر به سمت سینمای طنز آمده‌اند

مردمی که طناز هستند به خوبی طنز فاخر را از سخیف تشخیص می‌دهند

صداوسیما در فاصله گرفتن از تولیدات فاخر نقش داشته است

آرمان ملی- احسان انصاری: خشایار راد یکی از بازیگران پیشکسوت طنز کشور است که در فیلم‌ها و سریال‌های مختلفی از جمله «خانه به دوش»، «متهم گریخت»، «کوچه اقاقیا»، «دزد و پلیس» و... بازی کرده است. این در حالی است که در شرایط کنونی سینمای طنز ایران حال و روز خوبی ندارد و اغلب فیلم‌های طنزی که روی پرده سینما می‌رود بیشتر برای فروش بیشتر است و از کیفیت کافی برخوردار نیست. به همین دلیل «آرمان ملی» با این بازیگر پیشکسوت در این زمینه گفت‌وگو کرده است. راد معتقد است: «در شرایط کنونی اغلب کسانی که قصد دارند فیلم طنز بسازند طنز را به خوبی نمی‌شناسند و از دانش کافی در این زمینه برخوردار نیستند. مورد داشتیم که در وسط یک سریال که قصد ندارم نام آن را بیاورم کارگردان را به دلایل اقتصادی تغییر داده‌اند. هنگامی که چنین اتفاقی در سینمای طنز کشور رخ می‌دهد به معنای این است که محتوا و تولید آثار فاخر در دستور کار نیست و بلکه هدف اصلی به سینما کشاندن مخاطب به هر قیمتی برای سود بیشتر اقتصادی است.» در ادامه ما حصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

چرا سینمای طنز ایران دچار کلیشه شده و از تولید آثار فاخر ناتوان شده است؟

طنز و بذله‌گویی در فرهنگ مردم ایران وجود دارد و مردم ایران به خوبی طنز را می‌شناسند. به همین دلیل هنگامی که طنز فاخر یا طنز موقعیت را می‌بینند به خوبی تشخیص می‌دهند چه نوع طنزی خوب است و چه نوع طنزی از کیفیت لازم برخوردار نیست. در شرایط کنونی سینمای طنز ایران سطحی شده و مخاطب را ساده می‌انگارد. این در حالی است که در فرهنگی که مردمش اغلب بذله‌گو و شوخ طبع هستند ساختن آثار طنز سطحی و بی‌محتوا خیلی زود توسط مردم تشخیص داده می‌شود. از سوی دیگر اغلب سازندگان فیلم‌های طنز تلاش می‌کنند مخاطب را به هر شکلی که شده به سینماها بکشانند که اغلب نیز با هدف اقتصادی و فروش بیشتر فیلم‌ها صورت می‌گیرد. طنز باید خودش به وجود بیاید که این اتفاق در طنز موقعیت رخ می‌دهد. این در حالی است که در شرایط کنونی اتفاقاتی در فیلم‌های طنز رخ می‌دهد که بیشتر برای خوشآمد مخاطب رخ می‌دهد و محتوا و پشتوانه فکری ندارد. در شرایط کنونی اغلب کسانی که قصد دارند فیلم طنز بسازند طنز را به خوبی نمی‌شناسند و از دانش کافی در این زمینه برخوردار نیستند. مورد وجود داشته در وسط یک سریال که قصد ندارم نام آن را بیاورم کارگردان را به دلایل اقتصادی تغییر داده‌اند. هنگامی که چنین اتفاقی در سینمای طنز کشور رخ می‌دهد به معنای این است که محتوا و تولید آثار فاخر در دستور کار نیست و بلکه هدف اصلی به سینما کشاندن مخاطب به هر قیمتی برای سود بیشتر اقتصادی است.

این سخن به معنای این است که سخیف شدن سینمای طنز به نیروی انسانی باز می‌گردد؟

به هر حال این موضوع تأثیرگذار است؛ هرچند تنها عامل اصلی نیست و عوامل دیگر مانند نوع سیاست‌گذاری‌ها نیز در این زمینه نقش دارد. اتفاق دیگری که باعث ضعیف شدن سینمای طنز کشور شده این است که کسانی که دارای دانش کافی هستند و طنز را به خوبی می‌شناسند دیگر مانند گذشته کارگردانی نمی‌کنند و بلکه ترجیح می‌دهند تنها در سینما بازی کنند. به عنوان مثال آقای عطاآنکه در گذشته سریال‌های طنز فاخر و مخاطب پسندی می‌ساختند که بنده در چند سریال ایشان حضور داشتم در شرایط کنونی تنها در سینما بازی می‌کند و دیگر مانند گذشته سریال نمی‌سازد. این در حالی است که آقای عطاران به خوبی طنز را می‌شناسند و آثار فاخری در این زمینه تولید کرده است. در شرایط کنونی کار نه تنها در اختیار کسانی است که طنز را نمی‌شناسند و بلکه باید به آنها کارهای جدی محول کرد. در گذشته و زمانی که طنزهای فاخر تولید می‌شد چند نویسنده قوی دور هم جمع می‌شدند و با مطالعه زیاد به این جمع بندی می‌رسیدند که آیا تولید چنین کاری ارزش هنری دارد و می‌تواند مخاطب را جذب کند و یا خیر. در صورتی که پاسخ مثبت بود چنین کارهایی تولید می‌شد و بازخورد مثبتی نیز در جامعه پیدا می‌کرد. این در حالی است که در شرایط کنونی اگر سلیقه یک بازیگر با متن نوشته شده همخوانی نداشته باشد متن را تغییر می‌دهند و یا از کسانی استفاده می‌کنند که فاقد خلاقیت‌های لازم برای اجرای طنز هستند. در چنین شرایطی است که میزان مخاطبان فیلم‌ها و سریال‌ها نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده و تولیداتی که ساخته می‌شود از تأثیرگذاری کافی در جامعه برخوردار نیست.

صداوسیما چه نقشی در این زمینه داشته است؟

صدا و سیما به دلیل رویکردی که در سال‌های اخیر در پیش گرفته در فاصله گرفتن سریال‌ها و سینمای طنز از آثار فاخر تأثیرگذار بوده است. این در حالی است که صداوسیما برای جذب مخاطب می‌تواند یک شبکه طنز به وجود بیاورد که آثار طنز در آن نمایش داده شود و با توجه به میزان مخاطبی که دارد می‌تواند در ارتقای سطح تولیدات طنز کشور نقش موثری ایفا کند که متأسفانه چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد. اگر زمانی امثال آقای لولایی و خانم امیر جلالی با یک دستمزد مشخص در سریال خانه به دوش بازی کردند و مخاطب میلیونی داشتند امروز نمی‌توان با همان دستمزد این افراد را به سریال دعوت کرد. به همین دلیل تهیه کنندگان به دنبال افرادی می‌روند که از کیفیت لازم برخوردار نیستند اما حاضر هستند در چنین کارهایی بازی کنند. به همین دلیل نیز سطح کیفی کارها افت پیدا می‌کند و بازی‌ها از گیرایی و احساس مناسب برخوردار نیست. چرا سریال خانه به دوش چندین بار از شبکه‌های مختلف صداوسیما پخش شده اما هنوز طرفدار دارد و برخی هنوز این سریال را تماشا می‌کنند؟ چرا این وضعیت برای تولیدات امروز وجود ندارد؟ در پاسخ باید گفت ما در زمینه تولیدات فاخر و تأثیرگذار موفق عمل نکرده‌ایم و به همین دلیل نتوانسته‌ایم مخاطب را با خود همراه کنیم. بنده به عنوان کسی که در این حوزه دارای تجربه چندین ساله هستم معتقدم هر کسی که وارد حوزه تصویر شده باشد حتی اگر سن بالایی نیز داشته باشد دوست ندارد خانه نشین شود و بلکه به دلیل نامناسب بودن شرایط ترجیح می‌دهد کار نکند. هنگامی که یک متن سخیف و لوده در اختیار یک فرد ایده پرداز و خلاق قرار می‌گیرد طبیعی است که چنین کاری را نپذیرد و ترجیح بدهد با وجهه کاری خود بازی نکند و خانه نشین باشد. برای چنین افرادی مسائل اقتصادی در اولویت بعدی قرار دارد. این افراد دوست دارند فعالیت کنند، اما کار خوب به آنها ارجاع داده نمی‌شود. اگر قصه خوب و کارگردان و عوامل خوب وجود داشته باشد هیچ‌کس نمی‌گوید کار نمی‌کند.

> **در شرایط کنونی سینمای طنز ایران سطحی شده و مخاطب را ساده می‌انگارد. این در حالی است که در فرهنگی که مردمش اغلب بذله گو و شوخ طبع هستند ساختن آثار طنز سطحی و بی‌محتوا خیلی زود توسط مردم تشخیص داده می‌شود. از سوی دیگر اغلب سازندگان فیلم‌های طنز تلاش می‌کنند مخاطب را به هر شکلی که شده به سینماها بکشانند که اغلب نیز با هدف اقتصادی و فروش بیشتر فیلم‌ها صورت می‌گیرد. طنز باید خودش به وجود بیاید که این اتفاق در طنز موقعیت رخ می‌دهد**

اتفاقی که در سینمای کشور رخ داده این است که بسیاری از کارگردان‌هایی که در گذشته کار جدی می‌کردند برای کسب درآمد و فروش بیشتر به تولید فیلم‌های طنز روی می‌آورند. این موضوع به چه میزان در وضعیت سینمای طنز کشور تأثیرگذار بوده است؟

طنز مقوله‌ای متمایز از کار جدی است و در مرز ابتذال قرار دارد. اگر طنز در مسیر صحیح و منطقی قرار داشته باشد به طنز فاخر و تأثیرگذار تبدیل می‌شود که روی مخاطب تأثیر مثبت می‌گذارد. این در حالی است که اگر قواعد و اصول آن رعایت نشود به ابتذال کشیده می‌شود و از مسیر اصلی خارج می‌شود. متأسفانه مدتی است که تنها برای پر کردن آنتن طنزهایی ساخته می‌شود که فاقد استانداردهای لازم است و از تأثیرگذاری طنزهای فاخری که در گذشته ساخته می‌شد خبری نیست. طنز نیاز به پشتوانه فکری و مطالعه دارد. کار طنز به شکلی است که حتی مطالعه و پشتوانه بیشتری نسبت به کار درام نیاز دارد. طنز یک شکل خاص نیست که بخواهیم درباره آن به صورت کلی صحبت کنیم. طنز فرم‌هایی مانند طنز فاخر، موقعیت و هجو دارد. به همین اگر قرار است از این شکل از هنر نمایش توقع ترویج اخلاق را داشته باشیم ابتدا باید سراغ طنز فاخر رفته یا اینکه در کار موقعیت به دنبال این خواسته باشیم، در غیر این صورت در آثار هجو نباید انتظار اثر ارزشمند داشته باشیم. شرط فاخر شدن یک نمایش نه کارگردان است نه عوامل و بلکه متن قوی و خوب است. این مسئله در کار طنز بسیار جدی است. اگر نویسنده تنها هدفش از کار خنداندن باشد، نتیجه همانی هجوی خواهد بود که ماندگاری ندارد. هنرمند باید ارزش کارش را بداند و اگر چنین نباشد برای پول یا دیگر منافع تن به کارهای سخیف خواهد داد. متاسفانه در حوزه فیلمسازی کارگردانانی که بتواند طنز فاخر و موقعیت را به خوبی روی صحنه ببرند کم داریم. نکته بعد اینکه طنز فاخر نباید در قالب اشرافی روایت شود که اساس چنین کارهایی دارای اشکال است. طنز فاخر باید روایت‌گر زندگی عامه مردم باشد تا بتواند به درستی آلام آنها را بازگو کند و بتواند تصویرگری درست از اخلاقیات داشته باشد.

> **طنز مقوله‌ای متمایز از کار جدی است و در مرز ابتذال قرار دارد. اگر طنز در مسیر صحیح و منطقی قرار داشته باشد به طنز فاخر و تأثیرگذار تبدیل می‌شود که روی مخاطب تأثیر مثبت می‌گذارد. این در حالی است که اگر قواعد و اصول آن رعایت نشود به ابتذال کشیده می‌شود و از مسیر اصلی خارج می‌شود. متأسفانه مدتی است که تنها برای پر کردن آنتن طنزهایی ساخته می‌شود که فاقد استانداردهای لازم است و از تأثیرگذاری طنزهای فاخری که در گذشته ساخته می‌شد خبری نیست**

یادداشت

آینده غزه؛ فاصله آمریکا ـ اسرائیل

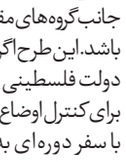

جلال خوش‌چهره
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

واشنگتن در این مرحله از تعقیب سیاست‌هایش، الزاما به تمامی با رویکردهای کابینه تندرو اسرائیل نه تنها همراه نیست بلکه حاوی اختلاف‌های برجسته شده‌ای است که از دهه ۱۹۶۰ میلادی تاکنون به مانند استخوانی در زخم باقی مانده است. به عبارت دیگر، تل‌آویو نیک می‌داند که تمامیت آنچه حمایت واشنگتن از اسرائیل در پی ماجرای هفتم اکتبر سال گذشته میلادی فهمیده می‌شد، اکنون خصلت و مختصاتی دیگر یافته است. واشنگتن در این مرحله نمی‌خواهد همه اعتبار منطقه‌ای و جهانی خود را در گرو زیاده‌خواهی‌های افراطیون اسرائیلی هزینه کند. مسیر طولانی چهارمین سفر منطقه‌ای بلینکن به منطقه از بار معنایی ویژه برخوردار است؛ خاصه آن‌که دستور گفت‌وگوهای این سفر نه برای ادامه جنگ، بلکه ایجاد ساخت‌وکاری برای آینده غزه و کرانه باختری پس از جنگ است. ایده واشنگتن برای آینده منطقه مورد مناقشه در گفت‌وگوهای دولت «جوبایدن» با دولت «بنیامین نتانیاهو» متفاوت و شاید در تعارض با آنچه هست که تندروهای اسرائیلی خواستار آن هستند. اسرائیل غزه و کرانه باختری را به تمامی زیر هژمونی قدرت خود می‌خواهد. در این صورت خروج مناطق یاد شده از اشغالگری اسرائیل معنا نخواهد داشت. علاوه بر اینکه جنگ بازهم در انتظار شعله‌ور شدن دوباره خواهد بود. اسرائیل نمی‌خواهد آینده کرانه باختری و غزه به گونه‌ای باشد که به دلیل حضور حتی دولت‌های دیگر در چگونگی اداره آن، اعمال نظر و اراده مبتنی بر قدرت اسرائیل را درباره فلسطینیان ناکارآمد یا بلاموضوع کند. از این رو می‌کوشد با ادامه دار کردن جنگ و گاه تشدید آن، به بلاتکلیفی اوضاع استمرار بخشیده و با واقع‌سازی‌ها در یک جنگ نابرابر، دیگران را برای قبول شرایط خود مجاب کند. این چیزی نیست که واشنگتن، جامعه بین‌المللی و حتی کشورهای منطقه تن به قبول آن بدهند. صد البته فلسطینیان نیز به هر قیمت زیر بار آنچه بیرون رفتن از قاعده قطعنامه ۱۹۶۸ شورای امنیت سازمان ملل و توافقنامه اسلو در سال ۲۰۰۳ میلادی است، نخواهند رفت. ممکن است در نخستین روزهای شروع جنگ، آمریکائیان تمایلی در این باره از خود نشان دادند اما واقعیت‌ها و مقاومت‌های جاری در برابر اسرائیل چه در غزه، چه بیرون از آن نه تنها دولت بایدن، بلکه به دیگر دولت‌های همسو با اسرائیل از جمله آلمان و بریتانیا نشان داده است که نمی‌توان برای این جنگ، نتیجه «صفروصد» را رقم زد. دستور کار چهارمین تور بلینکن به منطقه اما تلاش برای طراحی شکل جدیدی از ساختار حاکمیتی در غزه و کرانه باختری است که در سطح مطالبات اسرائیل و فلسطینیان را نیز در برگیرد. در این حال اوضاع به گونه‌ای تنظیم شود که نه فلسطینیان چون گذشته با احساس تلخ اشغال شدگی سرزمین خود روبه رو باشند و نه اسرائیل از جانب گروه‌های مقاومت با تهدید مستقیم روبه رو باشد. این طرح اگرچه با ساخت و کار تشکیل یک دولت فلسطینی فاصله بسیار دارد، اما ایده‌ای برای کنترل اوضاع است. این ایده را حالا بلینکن با سفر دوره‌ای به کشورهای تأثیرگذار منطقه تبلیغ می‌کند. هدف او در این سفر دو بخش دارد: نخست؛ مشروعیت بخشیدن به تلاش واشنگتن با کسب حمایت از سوی دولت‌های منطقه و در انزوا قرار دادن یکه تازی‌های تل‌آویو. دوم؛ منزوی کردن گروه‌های مقاومت با همراه شدن دولت‌های مورد مذاکره در خدمت به آرام کردن اوضاع در وهله نخست، سپس حل کردن آنها در بوروکراسی ساختارهای سیاسی آینده. بلینکن به گونه‌ای مفهومی تور خود را از ترکیه آغاز کرد. مقام‌های ترکیه آمادگی خود را برای نقش‌آفرینی در آینده غزه اعلام کردند. سپس به یونان رفت. این سفر با دو هدف مربوط به ناتو و نیز جنگ غزه بود. مرحله بعد سفر بلینکن به اردن، قطر، امارات متحده عربی و عربستان بود. در همه گفت‌وگوهای بلینکن با سران کشورهای یاد شده، شاهد همصدایی آنان بودیم با آنچه دولت بایدن در پی آن است؛ یا لااقل نکته‌ای خلاف آن منتشر نشد. او سپس به اسرائیل رفت و در ادامه راهی کرانه باختری و مصر خواهد شد. به این ترتیب وزیر امور خارجه دولت بایدن با مقام‌های اسرائیلی و نیز فلسطینیان در حالی گفت‌وگو می‌کند که حمایت دولت‌های یاد شده در این تور را با خود دارد. اینکه آیا اسرائیل و نیز فلسطینیان به آنچه در سفر دوره‌ای بلینکن دنبال شده تن می‌دهند یا نه؟ بستگی به جاذبه‌ها و اجبارهایی دارد که دو طرف به ناگزیر با آن روبه رو هستند. پیام اخیر واشنگتن به تهران را نیز می‌توان در همین چارچوب تفسیر و تحلیل کرد. در نگاه واشنگتن، موضع تهران در این میان به اندازه متغیر تأثیرگذار عمل خواهد کرد. از همین روست که اسرائیل با شروع دور تازه عملیات تروریستی از جمله ترور «صالح العاروری» معاون رئیس دفتر سیاسی حماس و دیگر اعضای حزب‌ا... لبنان در سوریه و لبنان، می‌کوشد بر مدار عصبی نه تنها تهران بلکه گروه‌های مقاومت در منطقه حرکت کند. تندتر شدن فضا همان چیزی است که اسرائیل در تعقیب آن در این مرحله از جنگ غزه است. آیا دولت بایدن خواهد توانست بر ماجراجویی‌های اسرائیل مهار بزند؟ نتایج چهارمین دور سفر بلینکن بازتابی خواهد بود از مجادله‌ای که اکنون میان ایالات متحده و اسرائیل جریان دارد و رفته رفته برجسته‌تر از گذشته می‌شود.